



جوانان و موانع ازدواج

سید محسن بنی جمالی^۱

سهیلا صادقی فسایی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۹

مطالعه حاضر با هدف شناخت فرآیندهایی از زندگی جوانان که مانع ازدواج ایشان می‌شود، با روش کیفی بر اساس بیانی که جوانان از تأخیر در ازدواج ارائه می‌دهند و تحلیل و تفسیری که از موقعیت می‌سازند، در جستجوی شناخت عوامل تأخیر ازدواج جوانان مطابق با روایت خود ایشان است. این مطالعه بر اساس مصاحبه نیمه ساختاریافته با نمونه‌ای متشکل از ۲۵ فرد ۱۹ تا ۴۰ ساله انجام گرفته و از شیوه تحلیل تماتیک سود برده است تا بر اساس آن مقولات و مضمون‌های اصلی تعیین‌کننده تأخیر در ازدواج استخراج و تحلیل شود. مطالعه نشان می‌دهد که مسئله مهم در بازداشتن جوانان از ازدواج، نداشتن شغل است که باعث کاستی در اطمینان نسبت به توانایی اداره زندگی پس از ازدواج می‌شود. شرایط نامطمئن، مسئله مهم دیگری است که با پیش‌بینی ناپذیر کردن زندگی و ترس از آینده باعث تأخیر در ازدواج می‌شود. در این میان، ناتوانی خانواده در حمایت از ازدواج فرزندان شدت مسئله را مضاعف می‌سازد. تله گذار به بزرگسالی و شلوغی زندگی، به عنوان دو مفهوم جدیدی که در این مطالعه معرفی می‌شوند، دو عامل دیگر تعیین‌کننده در بازداشتن از ازدواج است. مسئله مهمی که به طور ویژه از سوی زنان مطرح می‌شود، نگرانی از انتخاب نشدن است. ترس از محدود شدن آزادی نیز هم در مردان و هم در زنان، مطرح می‌گردد. مسئله بی‌اعتمادی به جنس مخالف که نتیجه روابط بین دو جنس و گرایش به دوستی‌های خارج از ازدواج است، به واسطه ترسی که از ازدواج ایجاد می‌کند، مانع مهم

۱. رئیس گروه مطالعات مدیریت، مرکز مطالعات و پژوهش‌های راهبردی، وزارت ورزش و جوانان، تهران، ایران (دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران) (نویسنده مسئول)

E-mail: Banijamali@ut.ac.ir

۲. دانشیار، جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دیگری در ازدواج جوانان تلقی می‌شود. در مواردی ناآشنایی با ازدواج و زندگی متأهلی و در نتیجه سردرگمی در چگونگی راهبری و مدیریت آن، مانع مهم دیگر ازدواج جوانان تلقی می‌شود. سرانجام بیان می‌گردد که پیچیده و سخت شدن ازدواج به عنوان پدیده‌ای جدید، بازدارنده‌ای مهم در ازدواج جوانان است.

واژگان کلیدی: جوانان، جوانی، گذار به بزرگسالی، ازدواج و موانع ازدواج



مقدمه

ازدواج جوانان در ایران همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اجتماعی و محور گفتگوهای سیاستی بسیار بوده است. به تبع آن مسئله «مشکلات و موانع ازدواج» نیز همیشه به عنوان یکی از موضوعات کلیدی عرصه مطالعات و سیاست‌های اجتماعی مطرح بوده است. شاید هیچ حوزه‌ای از امور جوانان به اندازه ازدواج شاهد سیاست‌گذاری و طرح‌های اجرایی مختلف و متنوع نبوده باشد. سند «سیاست ملی جوانان جمهوری اسلامی ایران»^۱ در فصلی مستقل و مفصل به سیاست‌گذاری ازدواج جوانان پرداخته است (۱۳۸۴: ۵۴). «برنامه ساماندهی ازدواج جوانان در برنامه چهارم توسعه»^۲ (۱۳۸۳) و «آیین‌نامه اجرایی»^۳ آن (۱۳۸۳) نیز به زعم خود بر ساماندهی ازدواج جوانان متمرکز بوده است. «قانون تسهیل ازدواج جوانان»^۴ حتی اهتمام به امر ازدواج را وارد حوزه قانون می‌کند تا ضمانت اجرایی محکم‌تری در این حوزه ایجاد نماید. در «سیاست‌های کلی جمعیت» (۱۳۹۳: بند ۲) و «سیاست‌های کلی خانواده» (۱۳۹۵: بندهای ۴، ۶، ۹، ۱۴) نیز مسئله ازدواج مورد توجه قرار گرفته است. به همین ترتیب در «قانون برنامه ششم توسعه»^۵ (۱۳۹۵: مواد ۹۴، ۱۰۲، ۱۰۴) و در «برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق» (۱۳۹۵) نیز به طور وسیعی موضوع ازدواج پیگیری می‌شود؛ ضمن آنکه اهتمام به این موضوع سرانجام در «قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان»^۶ به عنوان بخشی از وظایف وزارتخانه معین می‌شود. علیرغم تمامی این فعالیت‌ها، مسئله ازدواج همچنان باقی و محل مناقشه و گفتگوهای بسیار و نیز عرصه رقابت‌های سیاسی پر دامنه است. به همین دلیل انبوهی از مطالعات که تنها به مسئله مشکلات و موانع ازدواج می‌پردازد، شکل گرفته است. مطالعات فوق عموماً به بحث تأخیر در ازدواج نظر داشته و اینکه این وضعیت در پی چه فرآیندها و نتیجه چه عواملی بوده است. بسیاری از این مطالعات که گاهی حتی به نگرش سنجی نزدیک است، بر مطالعات کمی تکیه دارد و به جنبه‌های ذهنی و معنایی عمیق نمی‌پردازد. مقاله حاضر در چنین فضایی در جستجوی شناخت عوامل بازدارنده‌ای است که مانع ازدواج جوانان می‌شود، اما مسئله را از خلال تجربه‌های زیسته خود جوانان پیگیری می‌کند و از تفاسیری که ایشان از موضوع می‌کنند، سود می‌برد. بدین ترتیب، مسئله مطالعه حاضر دریافت تجربه‌های جوانان از مسائل و مشکلاتی که در ازدواج با آن رو به رو هستند و نیز شرح تفاسیری است که از این موضوع دارند.

ادبیات پژوهش

مطالعه در موضوع مشکلات و موانع ازدواج بسیار پرسابقه است. در یکی از قدیمی‌ترین این تحقیقات - که البته در بین دانشجویان انجام شد و منعکس‌کننده شرایط خاص ایشان و نه تمام جوانان است - خرازی، مطلق و صدریان (۱۳۸۱) اساسی‌ترین مشکل ازدواج دانشجویان را عدم یافتن فرد مناسب با توجه به معیارهای ازدواج

۱. مصوب شورای عالی جوانان در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۴ و مصوب هیئت وزیران در مرداد ماه سال ۱۳۸۴

۲. مصوب شورای عالی جوانان در آبان ماه سال ۱۳۸۳ و مصوب هیئت وزیران در اسفند ماه سال ۱۳۸۳

۳. مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۲

۴. مصوب مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷

۵. مصوب مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

۶. مصوب مجلس شورای اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۹۹/۶/۱۶

فرد و نیز ترس از افت تحصیلی تشخیص می دهند. همزمان مصری نژاد (۱۳۸۱) نیز در مطالعه‌ای عمومی تر بیان می دارد که تلاش برای کسب استقلال مالی و ارتقای سطح تحصیل، علت اصلی به تعویق افتادن ازدواج زنان است. این واقعیت عیان می ساخت که زنان در حال تجربه شرایط جدیدی هستند که با تمایل به پیشرفت از طریق ارتقای تحصیلی و گرفتن شغل و در نهایت ایجاد استقلال و یافتن توانایی خودمختاری توضیح داده می شود. محمودیان (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای درباره سن ازدواج ضمن تأیید تلویحی این امر، بیان می دارد که میزان تحصیلات با افزایش سن ازدواج همبسته است. نیز شهرنشینی، اشتغال زنان، ازدواج‌های آزادتر، برابری بیشتر جنسیتی و نسبت خویشاوندی دورتر اثر مستقیمی بر سن ازدواج باقی گذاشته است. به همین ترتیب میزان تحصیلات، محل سکونت، نسبت خویشاوندی با همسر و قومیت اثر معنی داری بر سن ازدواج دارد. با این حساب هر چه افراد در چارچوب‌های سنتی تر خویشاوندی و در هماهنگی با ساختارهای قومیتی عمل می کنند، سریع تر ازدواج می کنند. نیک منش و کاظمی (۱۳۸۵) نیز در مطالعه‌ای درباره دختران و پسران بالای ۲۵ سال شهر زاهدان مطرح می کنند که مهم ترین دلیل ازدواج نکردن دختران به اظهار خود ایشان، نیافتن فرد مناسب و نیز ادامه تحصیل است. طرح همزمان ادامه تحصیل و نیافتن فرد مناسب ضمن آنکه نشان می دهد تحصیل و تمایل به پیشرفت به عنوان بازدارنده ازدواج عمل می کند، تلویحاً نشانه‌ای از ارتقای اجتماعی حاصل از تحصیل و پیدایش مسئله یافتن فرد مناسب برای ازدواج است.

مطالعه نیک منش و کاظمی (۱۳۸۵) به تحولات دیگری نیز در این زمینه اشاره دارد. پسران در بیان علت تأخیر ازدواج خود به مشکلات اقتصادی و بیکاری اشاره می کنند. این امر ضمن آنکه نشانه‌ای از آشکار شدن مشکل اقتصادی و رفاهی در منع ازدواج می باشد، بیانی از آن است که پسران با طبیعت متفاوتی در ازدواج رو به رو هستند. همین موضوع در آنجا که میزان امید به ازدواج نزد پسران بیشتر از دختران به دست می آید نشان می دهد که مسئله ازدواج بسیار متأثر از جنسیت است. بر همین سیاق صادقی، قدسی و افشار کهن (۱۳۸۶) مطرح می کنند که مطابق نظر جوانان، موقعیت ایده آل ازدواج برای پسران، بعد از اشتغال به کار و کسب شرایط مناسب مالی و برای دختران، بعد از اتمام تحصیلات دانشگاهی و رسیدن به استقلال اقتصادی است. با این نگاه، مسئله ازدواج برای پسران و دختران ماهیت متفاوتی می یابد؛ به گونه‌ای که برای پسران فقدان دسترسی به فرصت‌های اقتصادی و نداشتن شغل و برای دختران نبودن فرد مناسب مانع ازدواج تلقی می شود.

علیرغم آنکه بعدها طیبی نیا (۱۳۹۳) اهمیت بیشتر موانع فرهنگی و اجتماعی را نسبت به موانع اقتصادی و حاکمیتی در تأخیر ازدواج جوانان مطرح می کند، اما نقیسی و حمیدی (۱۳۹۴) بیان می دارند که عوامل اقتصادی و اجتماعی همچنان مهم ترین عوامل تعیین فضای مفهومی نگرش به موانع ازدواج است. مطابق با مطالعه ایشان متغیرهای شاغل بودن (در بین عوامل اقتصادی)، مسئولیت پذیری (در بین عوامل اجتماعی)، نیافتن فرد مناسب (در بین عوامل فردی)، و اعتقادات مذهبی (در بین عوامل فرهنگی) اهمیت بیشتری در شکل یابی نگرش به ازدواج دارد. در مطالعه سازمان ملی جوانان (۱۳۸۸) با موضوع عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج جوانان نیز مطرح می شود که هر چند ویژگی‌های فرهنگی مهم ترین معیار جوانان در انتخاب همسر است، اما در نهایت این عوامل اقتصادی مثل وضعیت اشتغال و رفاه و مسکن است که مانع ازدواج ایشان

می‌شود. همان مطالعه بیان می‌دارد که ادامه تحصیل نیز نقش مهمی در به تعویق انداختن ازدواج دارد. مطابق مطالعه فوق پسران در ادامه تحصیل در جستجوی ارتقای شغلی و دختران در جستجوی ارتقای اجتماعی هستند تا از آن طریق موقعیت‌های بهتری را در ازدواج برای خود بیافرینند. رستگار، رحیمی و عظیمی (۱۳۹۴) نیز مطرح می‌کنند که عوامل اجتماعی و سپس اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر دیررسی ازدواج جوانان دارد. مطابق با کار آنها عواملی مانند ادامه تحصیل و مهاجرت باعث به تعویق افتادن ازدواج جوانان می‌شود. محمدی سیف و عارف (۱۳۹۴) نیز در تحلیل ثانویه خود از مطالعات انجام شده درباره ازدواج جوانان مطرح می‌کنند که نداشتن شغل، مشکل مالی و ترس از آینده به همراه نداشتن مسکن و بالا بودن اجاره‌بهای آن و همینطور ادامه تحصیل مهم‌ترین عوامل بازدارنده جوانان از ازدواج است. در این باره نصرتی‌نژاد، شریفیان و محمدی (۱۳۹۵) ابراز می‌دارند که از بین عوامل مختلفی که در کار ایشان مورد بررسی قرار گرفته است، تنها هزینه‌های ازدواج و وضعیت شغلی مردان بر دیرنگامی ازدواج در شهرستان طارم تأثیر می‌گذارد. سرانجام التجایی و عزیززاده (۱۳۹۵) در بررسی تأثیر عوامل اقتصادی و فرهنگی بر سن ازدواج مطرح می‌کنند که متغیرهای تورم و بیکاری مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های سن ازدواج مردان و زنان است.

گستره وسیعی از متغیرهایی که در مطالعه ازدواج جوانان مطرح شده است و روابطی که بین آنها جریان دارد، نشانه‌ای از وسعت و پیچیدگی موضوع و بازتابی از دگرپرسی‌های وسیع اجتماعی است که در این حوزه همچنان ادامه دارد. در مجموعه مطالعات فوق همواره تحصیل به عنوان یکی از متغیرهای تعیین‌کننده مطرح بوده است. متعاقب تحصیل، مسئله فقدان زوج مناسب و در مطالعات بعدی نیز جنبه‌های سخت ازدواج مثل شغل، مسکن و تأمین مالی به عنوان مسئله رخ نموده است. بعدها هرچند از سوی مطالعات مختلف اهمیت بیشتر عوامل فرهنگی و اجتماعی نسبت به عوامل اقتصادی و حاکمیتی در شکل‌دهی به ازدواج جوانان مطرح شده، اما مطالعات بسیاری نیز همچنان بر عوامل اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند. از این منظر، عوامل محدودکننده ازدواج طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ از عوامل اجتماعی به عوامل اقتصادی و زیرساختی منتقل شده است. در همین حال موضوع مهمی که می‌تواند مجموعه مطالعات فوق را به هم نزدیک کند، همزمانی و تعامل بسیاری از متغیرها در شکل دادن به مسئله تأخیر در ازدواج است که باعث می‌شود نوعی ترکیب منحصر به فرد از عوامل فوق به عنوان موانع ازدواج رخ نماید.

روش‌شناسی پژوهش

مطالعه حاضر مطالعه‌ای مبتنی بر مصاحبه^۱ است تا بر اساس آن فهم عمیق و توصیف پرمایه‌ای^۲ از تجربه پاسخگویان و نیز روایت‌های ایشان از مشکلات و موانع ازدواج حاصل آید. روش جمع‌آوری اطلاعات نیز مصاحبه نیمه‌ساختار یافته^۳ است که ضمن متمرکز بودن بر سؤالات و محورهای از پیش تعیین شده منعطف است و آزادی عمل مناسبی را برای دنبال کردن آن جنبه‌هایی که از سوی مصاحبه‌شونده مهم تشخیص داده

1. Interview study
2. Thick descriptions
3. Semi-structured

می‌شود، در اختیار وی می‌گذارد (برینکمان، ۲۰۱۳: ۱۹). تأکید بر آزادی عمل مصاحبه‌شونده در طرح جزئیات و مباحثی که بدان علاقه‌مند است، وجه عمیق مطالعه را برجسته می‌سازد. راپلی (۲۰۰۷: ۱۶) مطرح می‌کند که مصاحبه مناسب‌ترین قالب برای دریافت اطلاعات عمیق است ضمن آنکه در فرآیند تعامل چهره به چهره بازنمایی کاملی از زندگی روزمره فراهم می‌آورد و بنابراین بیش از هر چیزی مشوق مطرح کردن تجربه زیسته است. نیز مصاحبه‌بیش از هر روش دیگری افراد دخیل در گفتگو را برای بیان توصیفات پرمایه یا ضخیم از طریق پاسخ‌های با جزئیات فراوان به سؤال‌ها ترغیب می‌کند (ن. ک. به راپلی، ۲۰۰۷، ص. ۱۶). اجرای مصاحبه‌ها، فردی و چهره به چهره یعنی رودرو است تا ارتباط و تعامل صمیمانه‌تری بین طرفین مصاحبه شکل گیرد (ن. ک. به برینکمان، ۲۰۱۳: ۲۷). روش تحلیل نیز شامل سه مرحله تقلیل داده‌ها با ایجاد کدها (ن. ک. به رولستون، ۲۰۱۴: ۳۰۴)، سازماندهی مجدد داده‌ها با ایجاد مقوله‌ها (ن. ک. به رولستون، ۲۰۱۴: ۳۰۴) و سرانجام بازنمایی و تفسیر داده‌ها با استفاده از تحلیل تمی^۱ است. تمام مراحل تحلیل به ترانویسی اطلاعات وابسته است که به دقت و با وسواس بسیار انجام شده است. در ترانویسی نیز از زبان عامیانه استفاده شده است تا خواننده بهتر با متن مصاحبه ارتباط یابد و فضای فرهنگی-طبقاتی آن را بهتر کسب کند.

موردها با توجه به دورویه انتخاب مبتنی بر اطلاعات^۲ و نیز انتخاب مبتنی بر حداکثر تغییرات^۳ (ن. ک. به راپلی، ۲۰۱۴: ۵۷ و مرکز، ۲۰۰۷) ساخته شد. بیشتر موردها جوانان ۲۲ تا ۳۰ سال هستند، اما افراد با وضعیت افراطی سنی ۱۹ و ۴۰ سال نیز در مطالعه حضور دارند. افرادی از هر دو جنس و نیز با وضع تأهل مجرد و متأهل از طبقات اجتماعی مختلف نیز در میان موردها هستند. برای ساختن موردها، در مکان‌های عمومی از جمله پارک‌ها، افرادی که ضوابط انتخاب را تأمین می‌کردند به مصاحبه دعوت می‌شدند. سپس، در صورت قبول دعوت، مصاحبه در فضای پارک صورت می‌گرفت تا مصاحبه‌کننده فضای امن‌تر و راحت‌تری داشته باشد. مصاحبه‌ها تا ایجاد اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت ۲۵ نفر مورد پرسش قرار گرفت که از آن میان ۲۰ مصاحبه برای تجزیه و تحلیل انتخاب شد.

تجزیه و تحلیل و بحث

در تحلیل اطلاعات، پس از ترانویسی مصاحبه‌ها، با در نظر گرفتن اطلاعات زمینه‌ای پاسخگویان و مرور یادداشت‌های میدانی، متن مصاحبه‌ها بارها و بارها خوانده شد و هر بار ضمن ایجاد کدهای اولیه، یادداشت‌های تحلیلی نیز به بخش‌های مختلف متن ترانویسی شده الصاق گردید. در هر بار خواندن متن، کدها پالایش و تصحیح می‌شد. سپس از ترکیب کدها مقوله‌ها ایجاد و از تحلیل و مقایسه آنها، باز هم با در نظر داشتن اطلاعات زمینه‌ای و یادداشت‌های تحلیلی، تم‌ها استخراج و بر اساس آنها نیز مفاهیم مرتبط با مسائل و مشکلاتی که از منظر پاسخگویان مانع ازدواج تلقی می‌شد شکل یافت. تم‌ها و مفاهیم بر اساس عوامل زمینه‌ای مثل سن، جنس و طبقه تحلیل و ارتباط آنها با یکدیگر، در اینکه چگونه عوامل مختلف در تعامل

1. Thematic analysis
2. Information-oriented
3. Maximum variation cases

و ترکیب با یکدیگر سبب‌ساز وضعیتی می‌شوند که در آن ازدواجی صورت نمی‌پذیرد، واکاوی گردید. نتیجه مجموعه‌ای از عوامل و فرآیندهایی شد که ازدواج جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به عنوان مانع و مشکل ازدواج بر ساخت می‌شود. در ادامه، مجموع عوامل فوق و فرآیندهای متناظر با آن معرفی و تشریح می‌شود.

● نداشتن شغل

هر چند این اعتقاد وجود دارد که نبود شرایط مالی مناسب مانع مهم ازدواج است، اما تأکید صریح‌تر بر نداشتن شغل به عنوان مانع ازدواج آشکار می‌سازد که مسئله اصلی حداقل برای بخش زیادی از جوانان پیش‌بینی ناپذیری زندگی و فقدان امکان تأمین زندگی مشترک پس از ازدواج به علت نداشتن شغل است. مرد جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است بیان می‌کند که تنها پس از یافتن شغل مناسب است که راه ازدواج خود را هموار می‌بیند:

«... یکی از دلایلی که باعث شد ... حالا ما دو سال عقد بمونیم خوب همین مشکل بود که شرایط کاری خوب نبود. اون موقع مساعد نبود» (مصاحبه ۷ بند ۱۴۸)

حتی برای دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند، داشتن شغل برای ازدواج بسیار با اهمیت می‌نماید: «... همین که از نظر کاری به یه سطحی برسم، به یه حدنصابی برسم که بتونم یه شغل دائم برای خودم داشته باشم ... اگه بتونم به یه همچین شغلی دست پیدا کنم خب مطمئناً شرایطم برای ازدواجم بهتر می‌شه، فراهم‌تر می‌شه.» (مصاحبه ۱ بندهای ۸۰-۸۲)

اهمیت داشتن کار برای ازدواج بسیار وابسته به طبقه است. آنها که سطح طبقاتی پایین‌تری دارند، بر داشتن کار به عنوان اصلی‌ترین زمینه ازدواج تأکید دارند. منبع توانایی برای آنها تنها کار است و همین ضرورت داشتن کار را برای آنها حیاتی می‌سازد. به همین دلیل نیز فاصله آنها تا ازدواج گاه تنها کار است و بلافاصله پس از اینکه از حیث شغلی به ثبات می‌رسند، ازدواج می‌کنند.

اهمیت داشتن شغل به عنوان مهم‌ترین عامل تسهیل‌کننده ازدواج تابعی از جنسیت نیز هست. داشتن شغل به عنوان زمینه‌ساز ازدواج برای مردان با اهمیت می‌نماید. تأکید زن سی ساله مجرد و دارای لیسانس ارتباطات بر کار مردان به عنوان ضرورت ازدواج موردی از تأیید فرض مرد به عنوان نان‌آور خانواده است:

«به نظرم آقایون ... باید بتونند توی جامعه‌ای مثل جامعه ما و توی شهری مثل شهر تهران حقوقی ... داشته باشن که ... یه زندگی متوسط معمولی داشته باشن [را اداره کنن] این حقوق و باید بتونن در بیان ...» (مصاحبه ۱۰ بند ۱۳۰)

● شرایط نامطمئن

شرایط نامطمئن مانع دیگر ازدواج است. در شرایطی که آینده شغلی و شرایط کاری نامشخص و نامعلوم است نمی‌توان انتظار داشت برای ازدواج اقدامی صورت پذیرد یا برنامه‌ای تدارک دیده شود. شرایط نامطمئن به عنوان ویژگی عصری جامعه جدید از سوی بلاسفلد و میلز (۲۰۱۰، ص. ۴۸ تا ۵۲)، کرتسوس (کرتسوس، ۲۰۱۰، ص. ۳) و فرلانگ و کارتمل (فرلانگ و کارتمل، ۲۰۰۷) نیز مطرح شده است. طبق نظر آنان، زندگی جوانان بی‌ثبات‌تر و با عدم قطعیت بیشتری همراه شده است. جوان سرباز زیردپلم از خاستگاه طبقاتی پایین

شرح می دهد که چگونه شرایط نامطمئن باعث می شود وی امکان ازدواج نیابد: «... وضع طوریه که نمی شه مثلاً کسی رو در نظر گرفت. اگه کسی و در نظر بگیری می بینی بعد يك سال بعد ... نمی شه پیش بینی کرد ...» (مصاحبه ۱۲ بند ۲۱۱)

وی تا بدان حد با شرایط نامطمئن رو به روست که بر اساس آن معتقد است برای ازدواج حتماً باید خانه ملکی داشته باشد وگرنه با کاری که دارد خانه اجاره ای تناسبی با ازدواج وی نخواهد داشت:

«اگه کارمون همین کار ساختمونی باشه باید یه پنج شش سالی انجام بدیم این کار و تا یه درآمدی درست و حسابی داشته باشیم که پس اندازی داشته باشیم بتونیم خونه بخریم. ... اجاره ام می شه کرد، ولی مثلاً اجاره باید هر ماه یه پولی در بیاری که یه کار دائمی داشته باشی بتونی اجاره بدی. اگه کار دائمی نداشته باشی، اجاره نمی شه درآورد داد. کار ساختمانی در حدی یه که مثلاً نمی شه پیش بینی کرد مثلاً این ماه چقدر کار می کنی این ماه می تونی کار کنی یا نه این ماه می تونی این اجاره ای که می خوای به این خونه بدی در بیاری یا نه. ولی اگه بتونی چند سال کار کنی یه درآمدی داشته باشی که بتونی یه خونه ای بخری واسه خودت باشه، دیگه بعدش راحتی. می گی اگه این کار نشد می رم سر کار دیگه ای. حالا درآمد کمتر یا بیشتر فرق نداره. یه جوروی زندگی را می چرخونیم. ولی مال اجاره باید هر ماه اون حدی که بخوای اجاره بدی پولی که می خوای واسه اجاره بدی اونو باید در بیاری ... نمی شه پیش بینی کرد بتونی اون پولی که می خوای اجاره بدی اونو در بیاری و خرج زندگی رم بدی ...» (مصاحبه ۱۲ بند ۱۶۶)

دلایلی از سوی پاسخگویان وجود دارد که به دلیل شرایط پیش بینی ناپذیر و نامطمئن از وارد شدن به مسیر ازدواج پرهیز می کنند. مرد ۲۸ ساله کارمند شرکت بیمه با خاستگاه طبقاتی متوسط که دارای مدرک لیسانس و در شرف ازدواج است، تأکید می کند که جوانان واقعاً توانایی ازدواج و بر عهده گرفتن مسئولیت را ندارند:

«... الان هر کدوم از دوستانم وقتی من و می بینند می گن واقعاً تو دل شیر داشتی ازدواج کردی. تو الان این وضعیت اقتصادی با این وضعیت درآمدی چه جوروی می خوای از پس خرج و مخارج زندگی بر بیای. چه جوروی می خوای مسکنت رو مهیا کنی. چه جوروی می خوای مثلاً یه وسیله ای داشته باشی برای رفاه حال همسرت که مثلاً حالا حداقل ... یه وسیله ای داشته باشی ...» (مصاحبه ۱۱ بند ۱۶۴)

مرد سی و شش ساله مجرد و دارای تحصیلات فوق دیپلم نیز در این باره می گوید: «... من از سی سالگی می خواستم ازدواج کنم. شیش ساله الان دارم در جا می زنم. دختر مردم و چه جوروی بیارم. پنجاه میلیون صد میلیون از کجا بیارم خونه رهن کنم. قبلاً باز ... کار می کردیم می گفتیم بالاخره در می یاریم. وقتی الان دارم می بینم فردا اگه بیارم ... آینده که قابل پیش بینی نیستش چه جوروی پیش بینی کنیم ... آدم نمی دونه فردا چی می شه ...» (مصاحبه ۱۵ بند ۶۰)

● ناتوانی خانواده

به واسطه نقشی که خانواده در مدیریت ازدواج فرزندان دارد و حمایتی که از آنها در این مسیر می کند، (صادقی فسایی و بنی جمالی، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۹۲) ناتوانی خانواده در تأمین هزینه های ازدواج می تواند به عنوان بازدارنده مهم ازدواج ایشان ظاهر شود. در مواردی تأکید می شود که ترس جوان ها از ازدواج به دلیل آن است

که اگر خانواده به آنها کمک نکند نمی‌توانند ازدواج کنند ضمن آنکه نخواهند توانست از پس مشکلات ازدواج و زندگی آینده برآیند. در این باره زن ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس و کار حق التدریسی مطرح می‌کند: «... ساپورت چه خانواده پسر چه خانواده دختر اگه نباشه واقعاً ازدواج هیچوقت نمی‌تونه ازدواج موفق باشه...» (مصاحبه ۲۰ بند ۳۱۳)

زن سی ساله متأهل و دانشجوی دکترا که دارای کار تمام وقت است اشاره دارد که مقدمات ازدواج وی مثل جهیزیه و مثل آن عموماً توسط خانواده فراهم گشته و خود وی در آن نقشی نداشته است (مصاحبه ۱۳ بند ۲۵۸). این مسئله در موقعیت‌هایی مثل شرایط نامناسب زندگی والدین، بازنشسته بودن ایشان و یا وجود فرزندان بزرگ‌تر (مصاحبه ۱۵ بند ۱۲۶) تشدید می‌شود. پسر مجرد ۲۲ ساله کارگر که در تهران به همراه برادر خود زندگی می‌کند، توانایی خانواده را در حمایت از ازدواج خود رد می‌کند (مصاحبه ۳ بند ۱۰۸) و اظهار می‌دارد:

«... الآن من داداش از خودم بزرگ‌تر دارم. مثلاً سه چهار تا دارم سن شون ام بالاییه (ا) ازدواج ام نکردن. خانواده کاری باهاشون نداره. می‌گن می‌خوای ازدواج کن می‌خوای ازدواج نکن...» (مصاحبه ۳ بند ۱۰۷)

در مورد زنان نیز که فرض بر حمایت خانواده از ازدواج ایشان است، همین مسئله وجود دارد. دختر ۲۴ ساله دانشجوی فوق لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی در این باره اشاره دارد:

«حمایت خانواده‌ها مون رو نداریم. خانواده‌ها مون در شرایطی نیستن که اصلاً بتونن واسه ما عروسی بگیرن...» (مصاحبه ۲۱ بند ۱۵۱)

دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند در شرکت خصوصی نیز بیان می‌دارد:

«... برای ازدواج حالا اگه بخوام به فکر تهیه جهیزیه باشم باید روی پول خودم حساب کنم، چون روی کمک خونواده نمی‌تونم حساب کنم... چون به اون صورت پس اندازی ندارند» (مصاحبه ۱ بند ۸۰-۸۲)

البته در مواردی برآورد از قابلیت خانواده در حمایت از ازدواج علیرغم ناامیدانه بودن هم‌دلانه است. دختر سی ساله مجرد و دارای لیسانس ارتباطات اذعان می‌دارد:

«... پدر و مادرا خودشون کاراشون را کردند بندگان خدا. دیگه چقدر زیر بار قرض و قسط و هزینه‌های عجیب غریب برندن. به نظرم اصلاً منطقی نیست.» (مصاحبه ۱۰ بند ۱۶۸)

و یا زن ۳۰ ساله کارآفرین که دارای تحصیلات فوق لیسانس مدیریت صنعتی است، می‌گوید:

«خانواده‌ها خودشون هزینه دارن. بعضی اوقات نمی‌تونن بچه‌هاشون رو ساپورت کنن» (مصاحبه ۱۸ بند ۳۰۷)

صادقی فسایی و بنی جمالی (۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۹۲) مطرح می‌کنند که در برآیند شرایط نامطمئن و ناتوانی خانواده در حمایت از ازدواج جوانان، جوانان و خانواده آنها در مدیریت ازدواج کرخت و بی حرکت شده‌اند؛ نوعی مات‌شدگی که فضای ازدواج را از خود متأثر ساخته است.

اهمیت نقش خانواده در وقایع مربوط به گذار و ازدواج در مطالعات مختلف در سطح جهان نیز تأیید می‌شود. جونز و همکاران (۲۰۰۶) مطرح می‌کنند که خانواده و والدین فعالانه در تشکیل زوجیت فرزندان

دخالت دارند. جونز (۲۰۰۹: ۹۷) بیان می‌دارد جوانانی که خانواده‌هایشان قادر به تأمین هزینه‌های گذار ایشان نیستند، با مشکل رو به رو خواهند بود. از نگاه لگاردی و روسپینی (۲۰۰۶) جوانان برای ساختن دوباره نظم و رودررویی با شرایط نامتعیین به خانواده متکی هستند. وین و وودمن (۲۰۰۶) بر ضرورت برگرداندن خانواده به کانون مطالعات جوانان تأکید می‌کنند. هاینتز (۲۰۰۹) تأکید دارد که اثر مخاطره (مثلاً در ازدواج) به وسیله ساختارهای خانوادگی پالایش می‌شود. لگاردی (۲۰۰۶: ۳۳ و ۳۴) از آن بحث می‌کند که خانواده در تقابل با عدم قطعیت موجود در زندگی جوانان میدان‌دار و در فضای بی‌ارجاع حاصل از تغییرات توسعه‌ای جهانی شدن، لنگری مطمئن و پناه جوانان است (لگاردی، ۲۰۰۶).

● تله گذار به بزرگسالی

در جهان جدید، تحصیل مقدمه اصلی هر کاری شده است. بنابراین فرد ناچار به تحصیل و کسب مهارت‌های شغلی در سطحی است که بتواند مزیت‌های لازم برای حضور در بازار کار را به دست آورد. هیلمرت مطرح می‌کند که موقعیت افراد در زندگی تابعی از منابع در دسترس، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که خود تابع شرایط رقابت است (هیلمرت، ۲۰۱۰: ۶۲). شرایط رقابت نیز با گسترش قابل توجه آموزش همبسته است، زیرا کسانی که مدارج تحصیلی کمتری دارند از سطوح مختلف بازار کار حذف می‌شوند (هیلمرت، ۲۰۱۰: ۷۳). به این ترتیب گرفتن گواهی‌نامه علمی یا حرفه‌ای برای ورود به کار هم برای زنان و هم برای مردان در همه جا امری ضروری و معمول شده است. مرد جوان متأهل ۲۷ ساله که دارای لیسانس و کارمند قراردادی در بخش دولتی است، درباره اهمیت تحصیل می‌گوید:

«از هر لحاظی حساب بشه، ادامه تحصیل مفید واقع می‌شه. شما از لحاظ کاری بخواید حساب کنید خوب هر چقدر مدرکتون بالاتر باشه به نحوی بهتره...» (مصاحبه ۷ بند ۱۲)

براساس شرایط فوق، تحصیل و حتی گاه کار همراه با تحصیل زمینه‌ای است که به واسطه آن امکان استقلال اقتصادی فراهم می‌آید و براساس آن مقدمات زندگی مستقل بنا می‌گردد. این امر همراه است با انجام خدمت سربازی برای مردان و البته زمانی که طی آن فرد کار مناسب خود را بیابد. تمامی اینها در شرایطی اتفاق می‌افتد که با گسترش آموزش همگانی و عالی از درجات تحصیلی ارزش‌زدایی می‌شود (ن.ک. به شوشول، ۲۰۱۰: ۲۹). نتیجه گرفتار شدن ده ساله در ساختن زمینه‌های استقلال و ازدواج است که در این تحقیق «تله گذار» نامیده می‌شود. مرد چهل ساله مجرد کارمند در بخش دولتی به خوبی چنین فرآیندی را شرح می‌دهد:

«مشکلات اصلی‌ای که حالا من خودم داشتم تو بحث ازدواج يك: کار بوده اولاً تحصیل خُب خود بحث تحصیل حداقل الان دیگه افراد سعی می‌کنند که لیسانس رو داشته باشن و بعد وارد به اصطلاح بازار کار بشند من تا لیسانس گرفتم سنم رسیده مثلاً به بیست و دو سه سال. خدمت رفتم شده بیست و چهار و پنج سال. اومدم تهران تا کار پیدا کردم رسیدم در آستانه بیست و هفت و هشت سال. از بیست و هفت هشت سال تازه شروع کردم که حالا پیام‌یه وضعیت استیبلیتی برای خودم تعریف بکنم. حالا از نظر مالی خونه بخرم، پس اندازی داشته باشم. اینها را تا آدم سر هم بکنم سنم رفته روی ۳۰ سال؛ یعنی الان سن فردی که بخواد مستقل زندگی بکنه و به حساب نیازهای اولیه اقتصادی تو زندگیش را بر طرف بکنه و کمکی از خانواده‌اش نگیره می‌شه ۳۰

سال. از سی سال شما آماده می‌شی برای ازدواج توی کشور ما توی شهر تهران. به نظر من اگر بخواد زندگی از ابتدا درست پایه‌گذاری بشه و مشکل خاصی تو بحث اقتصادی و چیزی نداشته باشی کاری نداشته باشی فکر می‌کنم سن می‌رسه به حول و حوش ۳۰ سال. از سی سال شما شروع می‌کنی. بعد ۳۰ سال هم یه سنی هست که حالا اون مسائل احساسی کمتر شده، یه ذره انسان به سمت مسائل عقلانی - حالا نمی‌دونم درست می‌گم یا نه - یا منطقی بیشتر پیش می‌ره و همین خودش یه ذره تو بحث ازدواج مشکلاتی رو - حالا مشکلات نمی‌خوام بگم - سختی‌هایی را بوجود می‌آره و تو تصمیم یه ذره تأثیرگذار هست. من فکر می‌کنم که قسمت اعظم اش همین نگاه منطقی کردن یا نگاه عقلانی کردن به ازدواج هست که یه ذره به تأخیر انداخته و سخت‌گیری‌هایی رو توی بحث انتخاب به وجود می‌آره.» (مصاحبه ۴ بند ۸۶)

در نتیجه:

«من تا ۳۰ سالگی به صورت جدی به ازدواج فکر نمی‌کردم. چون هنوز فکر می‌کردم که پایه‌های اقتصادی برای ازدواج هنوز محکم نشده...» (مصاحبه ۴ بند ۲۲۶)

مرد جوان بیست و پنج ساله مجرد دارای مدرک لیسانس برق نیز در شرح علت ترجیح خدمت سربازی بر تحصیل می‌گوید:

«دیگه سن مون طوری داشت می‌رفت بالا - مثلاً من آگه می‌خواستم فوق لیسانس بخونم بیست و پنج سالم می‌شد بیست و هفت سال. دیگه از اونور می‌خواستم برم خدمت بیست و نه سالگی می‌شد. حالا رو بیست و نه سالگی ما باید از صفر شروع کنیم. هیچی هم که نداشتیم. دیگه شرایط کار و زندگی باز سخت‌تر می‌شه.» (مصاحبه ۸ بند ۱۶)

زنان نیز با چنین تله‌ای رو به رو هستند. دلایلی که دختر سی ساله دارای لیسانس و کارمند شرکت خصوصی در شرح مشکلات ازدواج زنان بیان می‌کند، شرحی از چگونگی رفتاری ایشان در تله گذار است:

«با توجه به سنم... باید ازدواج می‌کردم... یه مدتی گرفتار درس بودم. بعد دیگه دانشگاه که تموم شد به دنبال کار بودم که وقتم و یه جوروی پرکنم. بعد خب از ازدواج فاصله گرفتم از شرایط اش. یا درگیری‌ها باعث شد که هم فرصت اش نباشه هم اینکه خب - آدم وقتی تو محیط کار قرار می‌گیره از محیط‌هایی که ممکنه واسش ارتباطی پیش بیاد حالا یا خونواده واسطه بشن و معرفی کنند، فاصله می‌گیره. بعد باعث می‌شه که نتونه تو اون موقعیت قرار بگیره. حالا موردی براش پیدا بشه بتونه ازدواج کنه» (مصاحبه ۱ بند ۶۲)

دلیل اطلاق این فرآیند طولانی به «تله»، به «عادی شدن» و «چسبندگی» این گذار طولانی مربوط است. با طولانی شدن دوره گذار، گذار به «وضعیت عادی» و «خارج شدن از آن» نگران‌کننده می‌شود. در پرهیز از اضطراب ناشی از تغییر، فرد تمایل می‌یابد تا وضعیت موجود را حفظ کند. حفظ وضع موجود در شرایط گذار به نوعی فرو افتادن بیشتر در تله گذار است. نیز فرد در فرآیند گذار دچار نوعی ذهنیت پیشرفت می‌شود که خلاص شدن از آن بسیار سخت می‌نماید، زیرا همیشه دلایل و مقاصدی برای پیشرفت هست. معمولاً وقتی که فرد کار می‌کند تا شرایط خود را بهبود بخشد، همواره این نگرانی را با خود خواهد داشت که هنوز به شرایط مناسب رفاهی و باثبات نرسیده است و بنابراین هنوز جا برای پیشرفت دارد. مرد چهل ساله مجرد کارمند در

بخش دولتی در این باره می گوید:

«من تا ۳۰ سالگی به صورت جدی به ازدواج فکر نمی کردم، چون فکر می کردم که ... پایه های اقتصادیم برای ازدواج هنوز محکم نشده» (مصاحبه ۴ بند ۲۲۶)

چنین وضعیتی در برنامه ازدواج و آینده زندگی حرفه ای مرد بیست و هشت ساله مجرد و دانشجوی سینما نیز منعکس است:

«هنوز زوده. من درسم به سال دیگه یعنی پایان نامه ام طولانیه متأسفانه. امسال تموم بشه، بعد دکترا می خوام ادامه بدم. شرایطش ام دارم برای ادامه تحصیل اون ور.» (مصاحبه ۲ بند ۱۶۹)

برای خانم ها نیز مسئله پیشرفت و تله متناظر با آن در گذار به بزرگسالی دارای موضوعیت است. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی دکتری داروسازی در باره آینده تحصیلی خود می گوید:

«در حال حاضر فکر می کنم که بعد از دوره دکترای عمومی اگر بشه ایشاله برای پی اچ دی شرکت کنم، ولی هنوز شاخه اش رو انتخاب نکردم.» (مصاحبه ۱۶ بند ۱۰)

به همین ترتیب دختر ۲۷ ساله مجرد با کار تمام وقت و دانشجوی فوق لیسانس در وصف برنامه های خود برای آینده و نیز ازدواج اظهار می دارد:

«یه سری برنامه ریزی ها تو زندگی ام دارم و الان همش فکرم این برنامه ریزی هاست. الان نمی تونم فکرم رو متمرکز ازدواج کنم» (مصاحبه ۱۹ بند ۱۴۰)

تله گذار ضرورتاً در طبقات متوسط و بالا اتفاق نمی افتد، بلکه در طبقات پایین هم مشاهده می شود هر چند ماهیتی متفاوت دارد. تله گذار در طبقات پایین وابسته به تحصیل نیست، بلکه بیشتر وابسته به شرایط نامتعین کار است. مرد جوان ۲۲ ساله در گذاری سریع به استقلال رسیده است. وی قبل از دریافت دیپلم ترک تحصیل کرده و در مهاجرت به تهران با برادرش زندگی مستقلی تشکیل داده است. کار وی ناپسامان و بی ثبات است و نسبت به آینده آن اطمینانی نیست ضمن آنکه بیمه نیز ندارد. مجموعه این شرایط باعث شده است تا او در حال مهاجرت دائمی از کاری به کار دیگر باشد:

«... ترک تحصیل کردم ... (برنامه ای هم) ... واسه تحصیل ... ندارم ... مشغولم. الان دارم دنبال یه کار دیگه

می گردم، ولی یه جایی استخدامم الان مرخصی گرفتم که بتونم دنبال کار بهتر بگردم.» (مصاحبه ۳ بند ۱۵)

شرایط ناشی از طبقه، آنها را در شکلی از گذار وارد می کند که هر چند از حیث تحصیلی کوتاه می نماید اما از حیث مدیریت زندگی بسیار طولانی است. آنها به سرعت وارد فضای کسب و کار می شوند، اما پس از آن به علت فقدان مزیت هایی که موقعیت های بالاتری در فضای کسب و کار برای آنها ایجاد کند ناچار به شرایطی از کار تن می دهند که ایشان را بیشتر در تله گذار به زندگی مستقل به خصوص ازدواج نگه می دارد. جوان سرباز زیردیپلم تجربه خود را در این باره اینگونه شرح می دهند:

«... کار ما کار ساختمونیه ... درآمدش خوب نیست. بستگی به موقعیت اش داره. جایی هست کار هستش

جایی هست کار نیست ... بیشتر جاها بیمه نداشت بعضی جاهاش بیمه داشت ... ده روز کار می کردی یه دو سه روز مجبور بودی تعطیل کنی کار نبود ... اصلاً مشخص نیست چه جوریه. مثلاً وضع مون فردا چه جوری

بشه و چند سال دیگه چه جوری بشه ...» (مصاحبه ۱۲ بند ۴۵-۱۰۵)

● ساعت شلوغ زندگی

«شرایط شلوغ» یا «ساعت شلوغ»^۱ زندگی نتیجه موقعیتی است که طی آن فرد مجبور به مدیریت انبوهی از مسائل در زمان کوتاه با منابع محدود است. لوتالر و سوپوتکا نیز در شرح مشکلات جوانان، مفهوم ساعت شلوغ زندگی را به کار می‌گیرند (همان، ص. ۱۲۲). در ساعت شلوغ زندگی فرد مجبور است همزمان به مدیریت مجموعه‌ای از جنبه‌های مختلف بپردازد؛ مثلاً کار پیدا کند، کار خود را بهتر کند، تحصیل کند، مسکنی برای خود بیابد، ازدواج کند و هزینه‌های زندگی مستقل را تأمین نماید. از نگاه سوپوتکا، مجموعه‌ای از اتفاقات مثل طولانی شدن آموزش، افول بارداری، پیشرفت‌ها در وضعیت کار زنان، تغییر در هنجارهای زوجیت و فرزندآوری و کاهش فشار هنجاری برای ازدواج و فرزندآوری سبب شده است تا بسیاری از تصمیم‌گیری‌های زندگی از جمله ازدواج و فرزندآوری به تأخیر بیفتد و به واسطه آن بسیاری از وقایع کلیدی زندگی در دوره‌ای کوتاه تراکم باید (سوپوتکا، ۲۰۱۰، ص. ۱۲۹). در نتیجه در دوره کوتاه و شلوغ زندگی فشار بسیاری بر فرد وارد می‌شود. زن سی ساله لیسانس و مجرد در شرح مشکلاتی که در این زمینه مردان با آن رو به رو هستند می‌گوید: «... برای پسرها این قضیه خیلی سخته؛ ازش می‌خوان عروسی رو بگیره، ازش می‌خوان خون بگیره، ازش

می‌خوان ماشین و بگیره، ازش می‌خوان درآمد خانواده رو تأمین کنه ...» (مصاحبه ۱۸ بند ۱۸۵)

برای جوان کارگر ۲۲ ساله‌ای که در جستجوی کار بهتر است مهاجرت، یافتن کار، تهیه مسکن، تغییر کار، ترفیع در کار، کارهای خانه، مراقبت از برادر و مثل آن همه به یکباره رخ می‌دهد (مصاحبه ۳ بند ۵۶). بسته به موقعیت ممکن است موارد دیگری مثل پرستاری از بچه‌های کوچک، مراقبت از سالخوردگان، انجام دادن کارهای خانواده و مثل آن نیز اضافه شود.

تعدیل در سیاست‌های رفاهی دولت نیز شرایط شلوغ خاص خود را آفریده و اثر ساعت شلوغ زندگی را مضاعف ساخته است. در این مورد مثلاً محدود شدن آموزش رایگان عمومی و عالی باعث کار و تحصیل همزمان و تحمل شرایط سخت در زندگی شده است. نتیجه آن، بردوش داشتن تکالیفی فراتر از توان^۲ است که از آن تعبیر به شرایط شلوغ می‌شود. مرد چهل ساله مجرد کارمند در بخش دولتی در این باره می‌گوید:

«دوران دبیرستان ... بیشتر از اینکه بخوام دنبال تحصیل باشم، دنبال کار بودم و دنبال اینکه حالا هزینه‌های خودمو خودم تأمین بکنم. دوران دانشجویی ام هم متأسفانه همینجوری گذشت و اونجوری که خودم دوست داشتم نتونستم درس بخونم. بیشتر هم کار بود هم تحصیل و رو پای خودم ایستادم تا اینجا» (مصاحبه ۴ بند ۲۰۸)

تجربه کار همراه با تحصیل برای خانم‌ها نیز تجربه آشنایی است. زن سی و یک ساله مطلقه و دانشجوی رشته پرستاری در شرح شرایط برآمده از کار و تحصیل همزمان اظهار می‌دارد:

«... درس خیلی سنگین می‌شه و کار با اون واقعاً منو از پا در می‌آره.» (مصاحبه ۱۷ بند ۸۶)

1. Rush hour
2. Overburden

دختر ۲۴ ساله دانشجوی فوق لیسانس و نیز کارمند شرکت حسابرسی که همزمان به کار تدریس نیز می پردازد ضمن آنکه شرح می دهد که چگونه نه ساعت در شبانه روز درگیر کار است (مصاحبه ۱۹ بند ۹۰) در طرح مشکلات ازدواج در شرایط شلوغ زندگی اظهار می دارد:

«... واسه ازدواج... تو این پروسه ای که من مشغول کار و تحصیل ام خیلی اتفاق افتاده که تماس گرفتن که تشریف بیارن و خواستگاری های متعدد. منتها همین جور الان که دارم جریان زندگی ام را می گم انقدر مشغله دارم که اصلاً دیگه فرصت فکر کردن به این قضیه را ندارم... چهار سال خوابگاه را تحمل کردیم- درس های سخت- بعد پیدا کردن شغل- دانشگاه ارشد قبول شدن- منزل اینجا چکار کنم... من تو این شرایط اصلاً نمی تونم تصمیم بگیرم واسه ازدواج...» (مصاحبه ۲۱ بند ۱۱۵)

جدایی از خانواده و استقلال که به علل مختلف ممکن است پیش آید (مثلاً تحصیل، کار یا مهاجرت) دلیل مهم دیگری برای رودرویی با شرایط شلوغ زندگی است. موقعیت زندگی مستقل آنقدر فرد را درگیر امور روزمره می سازد که عملاً مانع برنامه ای برای آینده زندگی و ازدواج می شود:

«در داستان ازدواج نکردنم فکر می کنم که جابجا شدن از شهر محل زندگیم خیلی تأثیرگذار بوده توی این قضیه... حالا مسائل اقتصادی هم تا حدودی بهش مربوط می شه... اگر بخوام سه تا مشخصه به شما بدم، یک دوری از خانواده ام، اومدن به تهران و مشکلاتش و توی تهران زندگی برا خودم دست و پا کنم کارام و انجام بدم...» (مصاحبه ۴ بند ۲۶۸)

شکل دیگر موقعیت شلوغ به طور ویژه ای در بدو ازدواج و آغاز زندگی مشترک رخ می نماید. در دوره ای کوتاه فرد مجبور است به مدیریت ازدواج پردازد و در عین حال توانایی مدیریت زندگی مشترک را نیز بیابد (مصاحبه ۷ بند ۲۳۶). دختر جوان سی ساله دارای لیسانس ارتباطات و کارمند در شرح نگرانی هایش از آینده می گوید: «... از این می ترسم که نکنه که مجبور بشم که چند جا کار کنم. اینش خیلی نگرانم می کنه (مصاحبه ۱۰ بند ۱۷۶)... بخاطر اجاره خونه، بخاطر هزینه هایی که هست اگه بچه ای در میون باشه شما این بچه رو چه جوری می خواین مدیریت اش کنید» (مصاحبه ۱۰ بند ۱۶۴)

● مسئله اعتماد

شرایط نامطمئن به همراه تله گذار و تله شرایط شلوغ، موقعیتی را شکل داده است که در آن جوانان در روابط بین دو جنس به دوستی های خارج از ازدواج گرایش یافته اند. در مصاحبه ای زن ۳۱ ساله دانشجوی پرستاری شرح می دهد که چگونه جوانان چون نمی توانند ازدواج کنند خود را سرگرم یک رابطه کافی شاپی کرده اند، اینکه در رابطه با جنس مخالف فقط وقت بگذرانند و در عین علاقه ای که به یکدیگر دارند پایان مشخص و تعریف شده ای نیز برای رابطه خود نداشته باشند و حتی با گذشت زمان به بی سرانجامی آن عادت کنند:

«... دیگه جوونا با این وضعیت مالی چه ازدواجی بکنن، دیگه چه جوری جایی برای عشق بذارن، همه عشق و حالشون می تونه با هم این باشه که بعد از ظهرها برن کافی شاپ همدیگه رو ببینن، دو تا با هم حرف عاشقانه بززن و تموم بشه بره» (مصاحبه ۱۷ بند ۱۶۸)

چون در دوستی ها امکان ازدواج نیست، وابستگی های عاطفی در آن به سرانجام نمی رسد و تبدیل به تعهد

نمی شود. همچنین از آنجا که بر مبنای تعهدی رسمی نیست، بسیار آسیب پذیر و شکننده می شود. به علاوه با پایان یافتن رابطه ای، رابطه دیگری شکل می گیرد و موضوع تعهد نیز عوض می شود و با عوض شدن پی در پی موضوع تعهد، خود تعهد نیز به محاق می رود. دختر ۳۰ ساله کارآفرین دارای تحصیلات فوق لیسانس در شرح این مسئله می گوید:

«... احساس می کنم که به کمی قضیه تعهد و وفاداری رو بهمون کم یاد دادن ... زندگی تعهد می خواد. باید قبول کنی که دیگه بعد از اون فقط همین-ه می خواد خوشت بیاد می خواد نیاد. آگه خوشت نیامد از زندگی ش برو بیرون ولی هیچی، عدم تعهدی توش نباشه چون انقدر روح آدم آسیب می بینه از این قضیه تا آخر عمر باهاش می مونه.» (مصاحبه ۱۸ بند ۳۱۱)

انعکاس این موضوع در فضای ازدواج مسئله اعتماد و بی اعتمادی به جنس مخالف را آفریده است. مرد جوان بیست و پنج ساله مجرد لیسانسه که در حال خدمت سربازی است در این باره اظهار می دارد:

«تو جوونا می بینی شبکه های مجازی هست دوستی ها هست. دیگه به قول معروف دلت به ازدواج نمی ره. بعد مثلاً دو روز دیگه می گی آقا این مثلاً با کسی بوده با کسی نبوده چکار می کرده چکار نمی کرده. حالا من خودم مثلاً شبکه مجازی بودم. می گفتم آیا این هم تو شبکه مجازی بوده همچین کاری میکرده همچین کاری نمی کرده.» (مصاحبه ۸ بند ۹۰)

دختر سی ساله مجرد و دارای لیسانس ارتباطات نیز می گوید:

«اعتماد الان کم شده. من خیلی از پسرهایی که همکارمون هستن می بینیم حالا به عنوان دوست با همدیگه صحبت می کنیم. خیلی هاشون می گن ما دیگه به دخترها اعتماد نداریم. دیگه ما دختری را که مثلاً خیلی - ... وقتی که تو با یک نفر دوستی یعنی به همون آدم تعهد داری نه با هزار نفر دیگه ... من پسر رو دیدم می گه که من اصلاً مطمئن نیستم دختره مثلاً الان با منه بعد ازظهر با یکی دیگه است پس فردا با یکی دیگه است. دختره هم فکر می کنه این قضیه زرنگی یه و فکر می کنه کاملاً آدم زرنگی یه که اینکار رو داره می کنه.» (مصاحبه ۱۰ بند ۲۰۴)

وی در تحلیل مسئله اعتماد موضوع را به مسائل مالی نیز منتسب می کند:

«... اعتماد کم شده ... وقتی اقتصاد یک مملکت خدشه دار باشه و مشکل مالی داشته باشن جوون ها، مطمئناً ازدواج سفید بوجود می آد. مطمئناً دخترهایی هستنند که صیغه می شن. پسرهایی هستن که صیغه می کنن و همه این اتفاقات - طرف خیلی عادی بر می گرده می گه که مثلاً ما با هم ازدواج سفید داریم خیلی معمولی - خوبه دیگه تعهدی به هم نداریم هر موقع از دست هم خسته بشیم می ریم یعنی به هم تعهد مالی نداریم ...» (مصاحبه ۱۰ بند ۲۰۲)

● هراس از انتخاب و ازدواج نامناسب

نگرانی از انتخاب نامناسب و هراس از ازدواج ناموفق از دیگر مواردی است که از سوی پاسخگویان در بازداشتن آنها از ازدواج مطرح می شود. دختر مجرد ۲۰ ساله دانشجوی داروسازی در این باره می گوید:

«من خودم ... به مقدار ترس از ازدواج دارم. نمی دونم ... فکر نمی کنم مثلاً بتونم ... توی یه مدت کم ...

خیلی شناسایی داشته باشم از شون- از این می ترسم» (مصاحبه ۱۶ بند ۱۹۸)
 همان. طور که تصریح شده است چنین ترسی بیش از هر چیز به مسئله شناخت از دیگری مربوط می شود:
 «... اون شخص مقابل رو ... خیلی برام مهمه که ... واقعاً قبول اش داشته باشم. چون چند نفر رو شناختم تو
 این مدت بعد از یه مدتی ... اولش آدم فکر می کنه که آدم بدی نیست بعدش یه هو مثلاً یه رفتارهایی ببینی،
 دلزده بشی و اینجور چیزها ... اون شناختی که پیدا کردم امیدوارم کافی باشه. بعدها مثلاً چیزهای مشکلاتی
 دیگه ای پیش نیاد سر همین که شناخت کم بوده یا خیلی فرق داشتن در یه زمینه هایی» (مصاحبه ۱۶ بند ۱۶۰-
 ۱۶۲)

هراس از ازدواج ناموفق گاهی نیز به مسئله بلوغ اخلاقی منتسب می شود. دختر سی ساله لیسانسیه و کارمند
 در شرکت خصوصی در تشریح آنچه باعث نگرانی وی در آینده زندگی زناشویی اش خواهد شد اظهار می دارد:
 «... شخصیت طرف مقابلم هست که تا چه حد می شه بهش اعتماد کرد و اینکه تا چه حد رشد کرده که بقیه
 عمرش هم همون جوری که روز اول بوده بتونه همونجوری باشه و بمونه ... مشکل اصلی آدم ها اینه که تغییر
 می کنند، بعد از ازدواج و به مرور زمان تغییر می کنند ... فکر می کنم مشکل اصلی آدم ها تو ازدواج مسائل مالی
 نیست یه همچین چیزی هست که هنوز رشد نکردن از نظر شخصیتی.» (مصاحبه ۱ بند ۱۷۶)
 گاهی نیز نگرانی از ازدواج ناموفق به تجربیات ناخوشایندی ارجاع داده می شود که افراد احتمالاً در محیط
 با آن رو به رو بوده اند. مرد جوان متأهل ۲۷ ساله لیسانسه و کارمند قراردادی بخش دولتی در مسئله هراس از
 عدم موفقیت می گوید:

«... ما دیدیم حالا توی جامعه هم هست ... افرادی می بینید بعد از ده سال ازدواج یه دفعه اصلاً کلاً خونه
 و زندگی رو ول می کنند می زن. اصلاً خبری هم از شون نیست» (مصاحبه ۷ بند ۲۷۴)
 احساس نگرانی از انتخاب نامناسب و هراس از ازدواج متأثر از جنسیت تفسیر می شود. مرد جوان متأهل ۲۷
 ساله لیسانسه و کارمند قراردادی بخش دولتی در شرح تفاوت نگرانی های پسران و دختران در ازدواج می گوید:
 «... دختر شاید ... حالا اگر ترس از ازدواج باشه خوب ترس از این دارند که بالاخره ... می خواد با یه
 شخصی ارتباط جدیدی رو برقرار کنن. این ارتباط اصلاً می تونه موفق باشه نمی تونه موفق باشه. ترس از این
 دارند که ازدواج شون ناموفق باشه و پسر هم از ... اینکه ... احساس می کنه که شاید مثلاً تونه یه خانواده را به
 سرانجام برسونه ...» (مصاحبه ۷ بند ۲۷۲)

● مسئله در معرض انتخاب قرار گرفتن

عاملی که به طور ویژه برای زنان سبب نگرانی است و به عنوان مانع ازدواج خود را می نماید، نگرانی از
 انتخاب نشدن است. دختر سی ساله لیسانس و کارمند شرکت خصوصی در شرح زمینه های ازدواج خود و
 ارتباط آن با مسئله مورد انتخاب قرار گرفتن می گوید:

«... کسی ... که تو سن من هست باید ... صبر بکنم که یه ارتباطی تشکیل بشه یه کسی بیاد یا کسی
 بهم معرفی بشه که بتونم. بعد هم حالا شناختی پیش بیاد و خب اینا بشه نشه، چه جوری بشه. (مصاحبه ۱
 بندهای ۶۰-۶۶) ... خب موردش هم واسم وجود نداره حالا اگر خواستگار داشتم یا کسی رو مدام به ام معرفی

می کردند خب می نشستم نهایتاً بش فکر می کردم به کسی و انتخاب می کردم. فعلاً چون توی جَوّاش نیستم. موردی ندارم که بخوام بش فکر کنم. ترجیح می دم به کمی سنم بالاتر بشه اینکار رو بکنم. ...» (مصاحبه ۱ بند ۱۳۶)

زن ۳۰ ساله مجرد کارآفرین فوق لیسانس نیز در این باره می گوید:

«... واقعاً دوست دارم ازدواج بکنم و فکر می کنم الان تا به حدی به اون آمادگی ذهنی رسیدم برای ازدواج ولی خوب من اون طرفم رو از کجا پیدا بکنم. چه جور باهاش ارتباط برقرار کنم. چطور رابطه مو مدیریت کنم که نتیجه خوبی داشته باشه...» (مصاحبه ۱۸ بند ۳۳۳)

هر چند در مواردی زنان به وجود چنین مشکلی در ازدواج اشاره می کنند، اما در مواردی نیز وجود آن را کاملاً تکذیب می کنند. به نظر می رسد از بین رفتن ساختارهای سنتی انتخاب و ازدواج و نیز فقدان ساختارهای مدرنی که به مدیریت این امر پردازد همراه با نبود محیط هایی که در آن دو جنس در معرض آشنایی و انتخاب یکدیگر قرار گیرند باعث شکل گیری چنین مشکلی در فرآیند ازدواج جوانان به خصوص زنان شده است. مسئله قرار نگرفتن خانم ها در معرض انتخاب تحت تأثیر سن، تحصیلات و وضع طبقاتی است، هر چند ویژگی های فردی نیز بر آن تأثیر می گذارد. موارد با سن بالاتر اشاره صریح تری به این مسئله دارند. نیز موارد با سطح طبقاتی و تحصیلات بالاتر نگرانی کمتری در این باره اظهار می کنند. به نظر می رسد با سطح تحصیلی و طبقاتی بالاتر افراد قدرت چانه زنی بیشتر و در نتیجه شانس بیشتری برای انتخاب شدن داشته باشند.

● سخت شدن ازدواج

مواردی وجود دارد که در آن «پیچیده و سخت شدن ازدواج» بازدارنده ازدواج معرفی می شود. در شرح پاسخگویان این امر پدیده جدیدی است که در گذشته نبوده و یا حداقل به چشم نمی خورده است. زن ۳۰ ساله فوق لیسانس و کارآفرین در این باره می گوید:

«بعضی اوقات به خودم می گم اونقدر هم که فکر می کنیم سخت نیست. شاید زیادی داریم سخت اش می کنیم. مثلاً قبل نا خیلی راحت تر ازدواج می کردن. می رفتن توی زندگی شون و خیلی چیزها را می پذیرفتند. من دقیقاً حالا می به پدر بزرگ مادر بزرگ مراجعه می کنم. دو نفر بودند پانزده ساله شانزده ساله حالا مربوط به سن و سال خودشون مربوط به دوره خودشون. او مدن هیچ کدوم هم خیلی همدیگه رو دوست نداشتن. رفتن وارد زندگی شدن خیلی تلاش کردن خیلی زحمت کشیدن بچه آوردن بعد انقدم سخت نگرفتن خیلی هم زندگی خوبی داشتن و به هم تعهد داشتن و من در تمام مدت ندیدم حالا من به مدتی رو با اینها زندگی کردم خوب دیگه اینها هشتاد و پنج سالشونه حالا مثلاً شصت سال با هم زندگی کردن هفتاد سال با هم زندگی کردن ولی من واقعاً ندیدم اصلاً اینها به هم دروغ بگن یا به چیزی از هم پنهان بکنن یا یکی مثلاً درآمدی داشته باشه به اون یکی نگه. یکی می تونست به قدمی برداره بر می داشت ... مثلاً تا اون زمانی که من یادمه مامان بزرگ چشم اش کار می کرد مثلاً فرش می بافت کمک می کرد به درآمد زندگی و هیچوقت هم من نمی داشت. می گفت ما دو نفر آدمیم داریم زندگی یو می بریم جلو. بعد از به جایی هم دیگه که نتونستن کار کنن چند تا سفری که با هم رفتن سفر زیارتی چنان با لذت می رفتن انگار داشتن می رفتن از تمام ثمره زندگی شون لذت

برن و تا آخرین لحظات هم از هم تعریف می‌کردن ... خیلی زندگی قشنگ‌تری بود. حالا اینکه ما انقدر سخت بگیریم. واقعاً بعضی وقت‌ها می‌گم مگه من قراره چند سال زندگی کنم. این سختی‌ها نمی‌دونم بخاطر چیه. شاید هم خودم هم خیلی آدم سخت‌گیری‌ام. شاید دارم شعار می‌دم. نمی‌دونم ولی حداقل این که دوست دارم اینطوری باشه» (مصاحبه ۱۸ بند ۳۳۳)

وی در شرح چگونگی ساده دیدن ازدواج در تعامل با فردی که قصد ازدواج با وی را داشته است می‌گوید: «... خودمون دو تا دره به سطح بودیم. دو تا مون کار می‌کردیم. بعد گفتیم من تنها چیزی رو که می‌خوام ... یه حلقه می‌خوام اونم به خاطر اینکه به نظرم یه خاطره خیلی قشنگ می‌مونه. نه عروسی می‌خوام نه کادو می‌خوام نه هیچ چیزی حتی من مثلاً خونه داشتیم تهران و یه سری وسایل اولیه گفتیم من جهیزیه هم فعلاً نمی‌تونم جور بکنم چون خرجم با خودمه من فعلاً از این‌ها دارم کم کم با همدیگه پیش می‌بریم ... بعد بهش ام‌گفتم چون موقعیت کاری‌اش خیلی در حال جابجایی بود به‌اش گفتم مثلاً واقعاً نگران کار نباش فعلاً من کار دارم من فعلاً درآمد دارم حتی یه جاهایی مثلاً به قرض می‌خورد به مشکل می‌خورد سعی می‌کردم کمک بکنم ... [حتی مهریه را] گفتم یه سکه ...» (مصاحبه ۱۸ بند ۱۸۵)

● عدم آشنایی با ازدواج و زندگی متأهلی

گاهی ناآشنایی با ازدواج و زندگی متأهلی و فقدان دانش درباره آن به عنوان مانعی مهم برای ازدواج مطرح می‌شود. دختر بیست و دو ساله مجرد و دانشجوی روانشناسی در این باره تصریح می‌کند: «... چون خیلی‌ها اصلاً از زندگی متأهلی آشنائیت بی‌ندارن به خاطر همین سمت‌اش هم نمی‌رن کلاً.» (مصاحبه ۹ بند ۱۴۲)

● ترس از محدود شدن آزادی

ترس از محدود شدن آزادی مورد دیگری است که از سوی پاسخگویان به عنوان مانع ازدواج مطرح می‌شود. مرد بیست و هشت ساله مجرد و دانشجوی سینما در شرح کم‌رنگ شدن ازدواج جوانان اظهار می‌دارد: «... نمی‌خوام خیلی بدبینانه بش فکر کنم ولی ... اصلاً کسی دغدغه ازدواج و نداره. اصلاً ازدواج یه چیز گمی‌یه یه چیز غریبی یه واسه ماها. نه من واسه خیلی‌ها. می‌گه خوب چه کاریه آره چرا اینکار و کنم ازدواج کنم خودمو (...). چی می‌گن (...). غل و زنجیر می‌دونن چرا خودمو حصار کنم متأسفانه - می‌گم به خاطر اینکه اون قدرتی که داشتیم و دیگه نداریم - از دل خانواده میایم بیرون پدر و مادر رو بچه‌هاشون دیگه اون قدرت و تسلطی که داشتن و ندارن اون احترام و ندارن ... در کل دیگه مسئله اصلاً ازدواج نیست که شما بگی آقا ازدواج خوبه بده اینجوریه، اونجوریه شما اگه بخوای ازدواج کنی چی. اصلاً کسی بهش فکر نمی‌کنه که بخواد مثلاً راجع به قبل یا بعدش مثلاً بخواد یا حالش تصمیم بگیره چون دغدغه‌اش چیز دیگری است» (مصاحبه ۲ بند ۱۶۷)

دختر دانشجوی بیست و دو ساله مجرد نیز در شرح مقایسه خود با دوستانی که ازدواج کرده‌اند به همین مسئله اشاره می‌کند:

«مقایسه که می‌کنم می‌بینم اون آزادی‌ای که تو زمان دختری‌شون دارن، دیگه ندارن. اون آزادی‌های فکری

که دارن، دیگه ندارن. بخاطر همین نمی دونم شاید دوران مجردی خودم و بیشتر دوست داشته باشم یعنی متأهلی اون‌ها رو زیاد علاقه نداشته باشم.» (مصاحبه ۹ بند ۱۱۴)

اشاره به ترس از محدود شدن آزادی هم از جنبه ایجابی و هم سلبی مطرح است. مرد در شرف ازدواج ۲۸ ساله کارمند و دارای مدرک لیسانس به وجه سلبی این مسئله توجه دارد. وی در شرح علت ازدواج نکردن جوانان به آزادی‌گرایی برآمده از لذت طلبی اشاره می‌کند:

«... به نظر شخصی من نه تنها مسائل اقتصادی بلکه به سری مسائل اجتماعی فرهنگی هم دخیل هست خوب [در ازدواج نکردن جوانان] جامعه ما الان تو یه مسیری داره میره که به قول معروف گفتنی نه این وری به نه اون وری (باخنده) ما یه جامعه اسلامی هستیم یه مملکت اسلامی هستیم اما در عین اسلامی بودن خیلی‌ها ... تجدد گریند ... یه آقا پسر جوونی که داره تو این مملکت زندگی می‌کنه شاید به لحاظ فرهنگی این ذهنیت رو داره که ازدواج شاید محدودش می‌کنه من الان آزادی عمل خیلی بیشتری دارم الان آخر معذرت می‌خوام با هر کس که بخوام می‌تونم رابطه داشته باشم دوستی برقرار بکنم و حالا مسائل دیگه. اما وقتی وارد عرصه تأهل و ازدواج بشم این آزادی عمل از من گرفته می‌شه. البته این ذهنیت‌ها واقعاً ذهنیت‌های غلطی هست‌ها، ولی متأسفانه اپیدمی شده تو جامعه ما.» (مصاحبه ۱۱ بندهای ۱۶-۱۶۲)

در مواردی نیز بر جنبه ایجابی آزادی‌گرایی اشاره می‌شود. دختر ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس در شرح دلایل ازدواج نکردن جوانان می‌گوید:

«[ازدواج نکردن جوانان] دلایل مختلفی می‌تونه داشته باشه. یکی از دلایل اش آزادی طلبی‌یه - اینکه خوب من دوست ندارم خودمو در قید و بند یه آدم بذارم ... [ازدواج] آزادیه یه نفر و می‌گیره ... [بعد] ازدواج دیگه آدم به اون آزادی و مثلاً فراغ‌بالی که توی ... مجردی داره [نیست] دیگه دوران متأهلی این چیزا رو نداره» (مصاحبه ۲۰ بند ۳۷۵)

اهمیت وجه ایجابی آزادی‌گرایی در امکان کسب تجربه‌های مفیدی است که در پیش از ازدواج فراهم می‌آید. دختر ۲۷ ساله متأهل با مدرک فوق لیسانس در شرح زمان مناسب برای ازدواج دختر خانم‌ها به این مسئله اشاره دارد:

«به نظر من خوبه که تحصیلاتش رو دختر تا یه حدی در واقع ارتقا بده. تو جامعه باشه. به نظر من ازدواج توی بدو لیسانس و وسط لیسانس حتی انتهای لیسانس خیلی کار درستی نیست. آدم به نظر من دوره لیسانس و خوبه که تو جامعه باشه با آدم‌های مختلف آشنا بشه رفت و آمدهای مختلف پیدا کنه و بعداً ازدواج کنه» (مصاحبه ۲۰ بند ۲۱۷)

نتیجه‌گیری

در جستجوی تجربه‌ها و ذهنیت‌های جوانان از مشکلات و موانع ازدواج و معنایی که از هر یک مستفاد می‌کنند و نیز تفاسیری که در آن باره بیان نمایند، مطالعه حاضر با روش مصاحبه‌ای، و از خلال مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته، با سود بردن از تحلیل تماتیک و با شیوه استدلالی ابدکتیو، مجموعه‌ای از مقولاتی را

شکل داده که کم و بیش در مطالعات پیشین نیز به بسیاری از آنها اشاره شده است. آنچه بعضی از مقولات فوق را از دریافت‌های مطالعات پیشین متمایز می‌کند، صورت‌بندی متفاوت از آنهاست. در مطالعات پیشین متغیرها به عنوان عوامل بازدارنده از ازدواج مطرح می‌شوند، اما در مطالعه حاضر مفاهیمی مثل شرایط نامطمئن، تله گذار به بزرگسالی، ناتوانی خانواده، شرایط شلوغ یا ساعت شلوغ زندگی، ترس از ناکامی در پیشرفت (که در تله گذار به بزرگسالی مورد اشاره قرار می‌گیرد)، نگرانی از محدود شدن آزادی، هراس از انتخاب نشدن، بی‌اعتمادی در کنشگری ازدواج، ترس از ازدواج و سخت شدن ازدواج عمدتاً مفاهیمی فرآیندی و تفسیری هستند و شامل تنها یک متغیر مجرد نمی‌شوند.

مطابق برساخت‌های مفهومی مطالعه حاضر مسئله اصلی در بازداری از ازدواج حداقل برای بخش زیادی از جوانان نداشتن شغل است که باعث می‌شود اطمینان به اداره زندگی در پس از ازدواج کاستی پذیرد. این مسئله به خصوص برای مردان و افرادی از طبقات پایین اهمیت بسیاری دارد. شرایط نامطمئن مفهوم دیگری در بازداری از ازدواج است که ترجمانی از بی‌ثباتی و پیش‌بینی ناپذیری زندگی است. هر چند بخش مهمی از شرایط نامطمئن وابسته به نداشتن شغل است، اما پیش‌بینی ناپذیری زندگی عام‌تر از آن و وابسته به متغیرهای مختلف است. ناتوانی خانواده در حمایت از ازدواج فرزندان، عامل بازدارنده دیگری است که شدت مسئله ازدواج را برای جوانان در شرایط نامطمئن مضاعف می‌سازد. از آنجا که پایه مهم ازدواج جوانان در ایران خانواده است، ناتوانی خانواده در حمایت از ازدواج جوانان، در شرایطی که خانواده حتی گاه یگانه تکیه‌گاه ثبات در شرایط بی‌ثبات و نامطمئن به شمار می‌رود، بسیار تعیین‌کننده ظاهر می‌شود و نقشی مهم در بازداری جوانان از ازدواج می‌یابد. تله گذار به بزرگسالی که در نتیجه طولانی شدن دوره گذار پیش آمده، علت مهم دیگری در بازداری جوانان از ازدواج شده است که اثر آن در شرایط نامطمئن و نیز موقعیت خانواده در ناتوانی حمایت از گذار شدت و وجهی مضاعف می‌یابد. تله گذار در زندگی مردان و زنان وجود دارد هر چند تظاهر آن ممکن است متفاوت باشد. در عین حال علیرغم آنکه تله گذار تا حدود زیادی وابسته به گذار کندرو است، اما ضرورتاً منحصر به طبقات متوسط و بالا نیست و در طبقات پایین نیز به علت فقدان مزیت‌های کاری و نیز نبودن دسترسی به امکاناتی که فرد را در شرایط نامطمئن در جایگاه رقابتی بهتری قرار دهد مشاهده می‌شود. نتیجه تله گذار در طبقات پایین می‌تواند به بازتولید وضعیت طبقاتی ایشان بینجامد تا ضمن تثبیت شرایط نامطمئن سبب بازداشتن ایشان از ازدواج نیز بشود. «شرایط شلوغ» یا «ساعت شلوغ زندگی» در سال‌هایی از زندگی عامل بازدارنده دیگری از ازدواج است که در آن فرد هم‌زمان درگیر مدیریت انواع موضوعات مختلف از جمله: تحصیل، کار، پس‌انداز، ارتقای شغلی، تهیه مسکن، بنا کردن زندگی مستقل، ازدواج و سامان دادن به زندگی پس از ازدواج در زمانی فشرده و کوتاه می‌شود. ساعت شلوغ در ادامه اثر شرایط نامطمئن، گرفتار شدن در تله گذار و ناتوانی خانواده در حمایت از جوانان، شرایطی را می‌سازد که می‌توان از آن به وضعیت سرگشتگی یا سرگردانی جوانان در ازدواج تعبیر کرد. در کنار تمامی اینها عاملی که به طور ویژه برای زنان مانع ازدواج تلقی می‌شود، نگرانی از انتخاب نشدن است. نگرانی از انتخاب نشدن که در بین زنان مطرح است ترجمانی جنسیتی از همان وضعیتی است که از آن تعبیر به سرگشتگی و سرگردانی در ازدواج می‌شود. وقتی ازدواج درگیر شرایط

نامطمئن، سرگردانی در گذار، شرایط شلوغ و فقدان حمایت خانوادگی می‌شود، نگرانی از انتخاب نشدن (برای زنان) امری عادی می‌گردد. نگرانی از انتخاب نشدن برای زنان هر چند از ویژگی‌های فردی نیز تأثیر می‌پذیرد، اما کاملاً تحت تأثیر سن، تحصیلات و وضع طبقاتی است. با افزایش سن، نگرانی خانم‌ها از اینکه در معرض انتخاب قرار نگیرند افزایش می‌یابد و با افزایش سطح طبقاتی و تحصیلات از این نگرانی کاسته می‌شود. ترس از محدود شدن آزادی به عنوان عامل بازدارنده دیگری از ازدواج رابطه‌ای عمیق با مسئله تله گذار و شرایط شلوغ می‌یابد، زیرا میل به پیشرفت که خود سبب گرفتار شدن در تله گذار و شرایط شلوغ است محرک و برانگیزاننده ترس از محدود شدن آزادی نیز می‌شود. شرایط نامطمئن و شلوغ و نیز تله گذار آنقدر طبیعی جلوه می‌کند که ترس از محدود شدن آزادی، به واسطه رابطه‌ای که پیشرفت می‌یابد، تردیدناپذیر و غیرقابل صرف نظر کردن می‌نماید. از این لحاظ افراد در شرایط متعارضی قرار می‌گیرند. درست است که میل به پیشرفت و آزادی متناظر با آن، برای غلبه بر شرایط نامطمئن و گرفتن شغل ضروری و با اهمیت است، اما درگیر شدن در آزادی برای پیشرفت خود به معنای درگیر شدن بیشتر و گسترده تر با تله گذار و شرایط شلوغ و از آن طریق بازتولید شرایط نامطمئن است. ترس از محدود شدن آزادی تحت تأثیر جنسیت است. مقایسه مردان و زنان بیان می‌کند که تأکید مردان بر جنبه سلبی این موضوع و زنان بر جنبه ایجابی آن است. برای زنان این مسئله به معنای افزایش ظرفیت کسب تجربه است، در حالی برای مردان این موضوع همبسته آزادی از مسئولیت و فراغت خاطر در پیش بردن اهداف شخصی است. فقدان اعتماد، مسئله مهم دیگری است که به عنوان عامل بازدارنده ازدواج مطرح می‌شود. شرایط نامطمئن، تله گذار و شرایط شلوغ همراه با ترس از انتخاب نشدن و تأکید بر آزادی موقعیتی را می‌آفریند که در آن جوانان در روابط بین دو جنس ضمن دور شدن از ازدواج به روابط دوستانه گرایش بیابند. انعکاس این موضوع در فضای ازدواج، مسئله اعتماد را می‌آفریند و اینکه افراد در کنش ازدواج به جنس مخالف خود اعتماد نکنند. بی‌اعتمادی می‌تواند خود به عاملی تبدیل شود که به واسطه آن جوانان دچار نوعی ترس از ازدواج شوند و از آن دوری گزینند. این مسئله به نگرانی از انتخاب نامناسب و هراس از ازدواج ناموفق تعبیر می‌شود. در مواردی مانع مهم ازدواج جوانان، ناآشنایی با ازدواج و زندگی متأهلی مطرح می‌شود و اینکه آنها در این باره دانشی ندارند و نمی‌دانند با چه مسائلی روبه‌رو خواهند شد. گاهی نیز «پیچیده و سخت شدن ازدواج» به عنوان پدیده‌ای که در گذشته نبوده، بازدارنده مهم از ازدواج است. سخت شدن ازدواج تا حدود زیادی می‌تواند برآیند تمام عوامل پیش گفته از جمله: شرایط نامطمئن، نداشتن شغل، گرفتار آمدن در تله گذار و شرایط شلوغ به همراه ناتوانی خانواده در حمایت از فرد باشد؛ امری که با بی‌اعتمادی به جنس مخالف، نداشتن آگاهی از ازدواج و زندگی متأهلی و ترس از محدود شدن آزادی تقویت می‌شود.

در تلاش برای ترکیب مفاهیم مطرحه در مطالعه حاضر می‌توان گفت شرایط نامطمئن، تله گذار به بزرگسالی و شرایط شلوغ سبب نوعی سرگشتگی در ازدواج شده است که با ناتوانی خانواده در حمایت سنتی از ازدواج جوانان تقویت می‌شود. در شرایط اختلال حاصل از این سرگشتگی و سرگردانی که در آن دوستی‌های خارج از ازدواج امری رایج می‌گردد، فضای اعتماد بین دو جنس نقصان می‌پذیرد و نوعی هراس از ازدواج شکل می‌گیرد که به پیچیده تر شدن و ابهام‌آمیز تر شدن فضای ازدواج می‌انجامد. مجموع این تحولات پدیده‌ای است که در

فضای مفهومی پاسخگویان از آن به سخت شدن ازدواج تعبیر می‌شود. در پایان، لازم به یادآوری است که تحریم‌ها بر علیه مردم ایران تقریباً تمام این تحولات را تحت تأثیر قرار داده و شرایط نامطمئن را نامطمئن‌تر و پیش‌بینی‌ناپذیر را پیش‌بینی‌ناپذیرتر ساخته است. تحلیل دامنه اثر تحریم و مشکلات حاصل از آن که بسیار نیز دارای اهمیت است، به طور خاص می‌تواند موضوع مطالعات آتی در این زمینه باشد.



منابع

- احمدی، وکیل و قیصریان، اسحاق. (۱۳۹۳). «بررسی وضعیت ازدواج و مضیقه آن در استان ایلام (در دهه ۱۳۸۰)». فرهنگ ایلام. ۱۵(۴۲)، صص ۵۶-۶۵.
- آیین نامه اجرایی برنامه ساماندهی ازدواج جوانان در برنامه چهارم توسعه. (۱۳۸۳). سازمان ملی جوانان. بازیابی از طریق: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/125135>
- برنامه ساماندهی ازدواج جوانان در برنامه چهارم توسعه. (۱۳۸۳). سازمان ملی جوانان.
- بنی جمالی، سید محسن. (۱۳۸۰). جوانان و تحصیل، آرمان‌ها، امیدها و واقعیت‌ها. اداره کل مطالعات راهبردی، سازمان ملی جوانان.
- بنی جمالی، سید محسن. (۱۳۸۱). جوانان و موانع ازدواج. اداره کل مطالعات راهبردی، سازمان ملی جوانان.
- بنی جمالی، سید محسن. (۱۳۹۶). «جوانان و گذار به بزرگسالی در شرایط نامتعیین؛ مدیریت و راهبری ازدواج توسط جوانان». رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- التجانی، ابراهیم و عزیززاده، مینا. (۱۳۹۵). «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعه میان استانی». جامعه پژوهی فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ۷، صص ۱-۲۳.
- خرازی، محمدعلی؛ حسینی مطلق، سیدمحمد و صدریان، محمدرضا. (۱۳۸۰). «بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد پیرامون عوامل مؤثر بر ازدواج». مجله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی- درمانی شهید صدوقی یزد. ۱۹(۱)، ۳۷.
- درودی آهی، ناهید. (۱۳۸۱). «تحولات دموگرافیک و پدیده مضیقه ازدواج در ایران». مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران: تحولات اخیر و آینده جمعیت ایران. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، صص ۱۹۵-۲۰۸.
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی). (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی جمعیت. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. بازیابی از طریق: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>
- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای (مدظله العالی). (۱۳۹۳). سیاست‌های کلی خانواده. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی. بازیابی از طریق: <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=34254>
- رستگار خالد، امیر؛ رحیمی، ماریا و عظیمی، هاجر. (۱۳۹۴). «نگرش سنجی پدیده دیررسی ازدواج (مورد مطالعه: شهر ایلام)». مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران. ۴(۴)، صص ۶۸۵-۷۰۶.
- سازمان ملی جوانان. (۱۳۸۴). سیاست ملی جوانان در جمهوری اسلامی ایران.
- صادقی فسایی، سهیلا و بنی جمالی، سید محسن. (۱۳۹۶). «جوانان، مقدمات ازدواج و راهبردهای ایشان در رو به رو شدن با ازدواج». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۳۴، صص ۱۹۵-۲۱۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و بنی جمالی، سید محسن. (۱۳۹۸). «جوانان، خانواده و مدیریت ازدواج». فصلنامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان. ۴۴، صص ۱۶۷-۱۹۲.
- صادقی، رسول، قدسی، علی محمد و افشارکهن، جواد. (۱۳۸۶). «واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه

- حل». پژوهش زنان. (۱۵). صص ۸۳-۱۰۸.
- طیبی نیا، موسی. (۱۳۹۳). «میزان تمایل جوانان به ازدواج و شناسایی موانع و مشکلات آن». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان. (۱۶)۵، صص ۸۶-۶۳.
 - کارگروه ملی کنترل و کاهش طلاق و افزایش ازدواج (۱۳۹۵). محوره‌های هفتگانه برنامه ملی کنترل و کاهش طلاق. شورای عالی انقلاب فرهنگی. بازیابی از طریق: http://sbmu.ac.ir/uploads/22_5907_1560844824457_15.pdf
 - کوششی، مجید و قربانی، زهرا. (۱۳۹۱). «مطالعه جمعیت‌شناختی تأثیر جوان همسری بر ازدواج دختران». مطالعات اجتماعی - روان‌شناختی زنان. (۲)۱۰، صص ۱۳۴-۱۰۹.
 - مجدالدین، اکبر و جمالی، احمدرضا. (۱۳۸۵). «بررسی دلایل و اثرات افزایش سن ازدواج دختران روستایی در ایران». پژوهشنامه علوم انسانی. ۵۳، صص ۲۸۶-۲۷۵.
 - مجلس شورای اسلامی ایران. (۱۳۸۴). قانون تسهیل ازدواج جوانان. بازیابی از طریق: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97806>
 - مجلس شورای اسلامی ایران. (۱۳۹۵). قانون برنامه پنجساله ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. بازیابی از طریق: <https://shenasname.ir/laws/tosee/plan6/3579>
 - مجلس شورای اسلامی ایران. (۱۳۹۹). قانون اهداف، وظایف و اختیارات وزارت ورزش و جوانان. بازیابی از طریق: <http://dotic.ir/news/7624>
 - محمدی سیف، معصومه و عارف، محمد. (۱۳۹۴). «آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی (شناسایی و بررسی مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی)». فصلنامه مهندسی فرهنگی. (۸۶)۱۰، صص ۷۴-۸۹.
 - محمودیان، حسین. (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان». نامه علوم اجتماعی. ۲۴، صص ۲۷-۵۳.
 - مصری نژاد، شیرین. (۱۳۸۱). «بررسی پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی زنان و رابطه آن با سن ازدواج در ایران». مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان. (۲)۱۴.
 - معاونت مطالعات و تحقیقات سازمان ملی جوانان (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج از منظر جوانان. سازمان ملی جوانان.
 - نصرتی نژاد، فرهاد؛ شریفیان ثانی، مریم و محمدی نوبری، علی. (۱۳۹۵). «تبیین جامعه‌شناختی دیرنگامی ازدواج در میان جوانان شهرستان طارم». مسائل اجتماعی ایران. (۲)۷، صص ۱۴۱-۱۵۸.
 - نقیبی، سیدابوالحسن و حمیدی، مهرانه. (۱۳۹۴). «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائمشهر». مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران (نامه دانشگاه). (۱۳۱)۲۵، صص ۱۵۹-۱۶۴.
 - نیک منش، زهرا و کاظمی، یحیی. (۱۳۸۵). «علل و راه حل‌های تأخیر در ازدواج جوانان». مجله علوم تربیتی و روانشناسی. ۳.
- Bhattacharya, K. (2017). **Fundamentals of Qualitative Research, A Practical Guide.** Routledge. Taylor & Francis.

- Blossfeld, H., and Mills, M. (2010). **“How Does Globalization Affect the Life Courses of Young Men and Women in Modern Societies?”** In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*, (pp. 37-56). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Brinkmann, S. (2013). **Qualitative interviewing**. Oxford University Press.
- Chauvel, L. (2010). **“Comparing Welfare Regime Changes: Living Standards and the Unequal Life Chances of Different Birth Cohorts”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*, (pp. 23-36). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Furlong, A. (2009). **Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas**. Routledge.
- Furlong, A., and Cartmel, F. (2007). **Young People and Social Change: Individualization and Risk in Late Modernity**. Open University Press.
- Heinz, W. R. (2009). **“Youth transitions in an age of uncertainty”**. In A. Furlong, *Handbook of youth and young adulthood: new perspectives and agendas*, (pp. 3-13). Routledge.
- Hillmert, S. (2010). **“Traditional Inequalities and New Insecurities: Long-Term Trends in the Transition to the Labor Market in Germany”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*, (pp. 57-76). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Jones, G. (2009). **Youth**. Polity Press.
- Jones, G., O’Sullivan, A., and Rouse, J. (2006). **“Young Adults, Partners and Parents: Individual Agency and the Problems of Support”**. *Journal of Youth Studies*, 9(4), 375-392. doi:10.1080/13676260600914374.
- Kretsos, L. (2010). **“The Persistent Pandemic of Precariousness: Young People at Work”**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the “Rush Hour” of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*, (pp. 3-22). Springer Verlag Berlin Heidelberg.
- Leccardi, C. (2006). **“Facing Uncertainty. Temporality and Biographies in the New**

- Century**". In C. L. Ruspini, *A new youth? young people, generations and family life*, (pp. 15-40). Ashgate.
- Leccardi, C., and Ruspini, E. (2006). **A New Youth? Young People, Generations and Family Life**. Ashgate Publishing Limited.
 - Lothaller, H. (2010). **"On the Way to Life-Domains Balance: Success Factors and Obstacles"**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the "Rush Hour" of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*. Springer Verlag Berlin Heidelberg.
 - Merkens, H. (2004). **"Selection Procedures, Sampling, Case Construction"**. In U. Flick, *A Companion to Qualitative Research*, (pp. 165-171). Sage Publications Ltd
 - Rapley, T. (2007). **"Interviews"**. In C. Seale, *Qualitative Research Practice*, (pp. 15-33). Sage Publications
 - Rapley, T. (2014). **"Sampling Strategies in Qualitative Research"**. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*, (pp. 49-63). SAGE Publications Ltd.
 - Roulston, K. (2014). **"Analysing Interviews"**. In U. Flick, *The SAGE Handbook of Qualitative Data Analysis*. (pp. 297-312). SAGE Publications Ltd.
 - Saldaña, J. (2009). **The Coding Manual for Qualitative Researchers**. SAGE Publications Ltd.
 - Sobotka, T. (2010). **"Shifting Parenthood to Advanced Reproductive Ages: Trends, Causes and Consequences"**. In J. C. Tremmel, *A Young Generation Under Pressure? The Financial Situation and the "Rush Hour" of the Cohorts 1970-1985 in a Generational Comparison*. Springer Verlag Berlin Heidelberg
 - Wyn J., Dan Woodman (2006). **"Youth and social change in Australia"**. *Journal of Youth Studies*, 9(5). 495-514.